نقش خانواده در برنامه درسی شایستگی– محور دوره ابتدایی از منظر اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش

دکتر حسن مظاهری[۱]
دکتر نعمت‌الله موسی‌پور[۲]
دکتر فائزه ناطقی[۳]

چکیده

هدف این پژوهش تعیین نقش خانواده در برنامه درسی شایستگی- محور دوره ابتدایی از دیدگاه اسناد تحول بنیادین آموزش وپرورش بود. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش سه سند «برنامه درسی ملی»، «سند تحول بنیادین آموزش وپرورش» و «مبانی نظری تحول بنیادین در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی» بود. گردآوری اطلاعات از طریق مطالعه اسنادی و روش کتابخانه‌ای انجام شد. مدل مورد استفاده در گردآوری و تحلیل داده‌ها، مدل شش مرحله‌ای رابرتس بود. نتیجه این مطالعه به استناد ۷۱ گزاره شناسایی شده از اسناد تحولی، نشان دهندهٔ ضرورت مشارکت و تعامل خانواده‌ها در مراحل مختلف فرآیند برنامه درسی فرزندان خود، به منزلهٔ تکلیف و وظیفه شرعی و قانونی آنهاست و تعامل خانواده و دولت به طور مشترک در سیاستگذاریهای کلان آموزش و پرورش و تصمیم‌گیریها در سطوح میانی و خرد(سطح مدرسه) برنامه درسی و در سطوح ملی و منطقه ای، اجرای برنامه درسی در مدرسه و خارج از مدرسه و ارزشیابی آن به رسمیت شناخته شده است. در این اسناد بیشترین گزاره (۲۵ مورد) به منزلهٔ اصول حاکم بر جایگاه و ضرورت دخالت خانواده در نظام آموزشی، به ویژه برنامه درسی مطرح شده‌است. پس از آن ۱۷ گزاره به مشارکت آنها در اجرای برنامه درسی، ۱۲ گزاره به تولید(طراحی و تدوین) برنامه درسی و ۱۰ گزاره نیز به ارزشیابی برنامه درسی اختصاص داده‌شده‌است. در ضمن با توجه به اهمیت دوچندان تعامل و همراهی والدین(خانواده‌ها) با نظام‌آموزشی به منظور تحقق بخشیدن به برنامه‌درسی در دوره ابتدایی، ۷ گزاره تاکیدی و ویژه‌ساز هم در این زمینه مطرح شده‌است. پیشنهاد می‌شود که در زمینه فرهنگ‌سازی و نحوه مشارکت واقعی و بنیادی خانواده‌ها، نظام‌نامه ای دقیق و مبتنی بر گزاره‌های اسناد تحولی و تجارب سایر کشورها تدوین و عملیاتی شود.

کلید واژگان: مشارکت خانواده، برنامه درسی دوره ابتدایی، شایستگی- محور، اسناد تحول بنیادین

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱/۳۱

۱. دکتری برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک mazaherih@hotmail.com
۲. دانشیار دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول) n_mosapour@yahoo.com
۳. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک fn1345@gmail.com

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

مقدمه

مدرسه مهم‌ترین موسسه آموزشی است که بیشترین فعالیتهای آن صرف تربیت نسـل حال برای آینـده جامعـه مـی‌شود(پورعلیرضا توتکله، ۱۳۸۸). برخی از سازمانها و نهادهای اجتماعی مستقیماً و ارادی و آگاهانه در جریان تربیت مداخله می‌کنند و برخی دیگر به صورت غیرمستقیم بر موفقیت و عدم موفقیت فرآیند تربیت تأثیر می‌گذارند(شورای عالی انقلاب فرهنگی،۱۳۹۰). از طرفی هم ذات آموزش و پرورش، نیازمند مشارکت تمام عناصر دخیل در فرآیند یاددهی- یادگیری است. در چنین فرآیندی اندیشه یادگیری و شرکت در تصمیم‌گیریها سبب رشد و بالندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌شود و زمینه‌های تحقق بخشیدن به جامعه پویا و توسعه یابنده را فراهم می‌آورد. از این رو نظامهای آموزش رسمی جهانی در سراسر دنیا درصدد برآمده‌اند تا هر چه بیشتر امکان تداوم نقش تربیتی خانواده‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای مؤثر در تعلیم و تربیت را در نظام آموزش رسمی و عمومی فراهم سازند. به باور برخی از جامعه شناسان مانند هربرت مید (به نقل از وینسنت و تاملینسون[1]، ۲۰۰۰) خانواده نهاد اجتماعی است که نخستین شالوده حیات جمعی به شمار می‌رود و وظایفی بیشمار مانند فعالیتهای اقتصادی و تربیتی و اجتماعی کردن فرد را به عهده دارد. امروزه در نظام جهانی، مشارکت افراد ذینفع به ویژه والدین در آموزش و پرورش یکی از عوامل مهم دموکراسی شناخته شده است(اسلیتر[2]،۲۰۰۸). به زعم استیسی[3](۱۹۹۱) هیچ گونه فرمول مشخصی برای مشارکت والدین وجود ندارد. آنها می‌توانند در زمینه‌های بسیاری در حوزه تعلیم و تربیت مشارکت داشته باشند. اگر اندیشه مشارکت یا تداوم نقش تربیتی خانواده‌ها در نظام تربیت تحقق یابد و بالنده شود و برنامه ریزیها و سیاستگذاریها براساس اصول و مبانی مشارکت، به مرحله عمل درآیند، به تدریج راههای جدید در این زمینه کشف می‌شود و بسیاری از معضلات نظام آموزش و پرورش موجود، کاهش می‌یابد (صمدی و رضایی،۱۳۹۰). به بیانی‌دیگر همان طور که رابرتسون نیز بیان می‌کند اگر دو نهاد خانواده و مدرسه به شیوه صحیح، ارزشها، هنجارها، و فرهنگ جامعه را به نسل در حال آموزش منتقل کنند و میان اهداف و برنامه‌ریزیهای خانواده و مدرسه، هماهنگی لازم وجود داشته باشد، شاهد تعارضات کمتری در جامعه خواهیم بود (رابرتسون، ترجمه بهروان،۱۳۷۴) به زعم عزیزیان همکاری و مشارکت نهادهای تاثیرگذار در جریان تربیت به ویژه خانواده، می‌بایست به گونه‌ای سامان داده شود که فعالیتهایشان با تلاش نهاد

1.Vincent & Tomlinson
2. Sleeter
3. Stacey

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

آموزش و پرورش همسو باشند، تا بتوان شاهد تحقق یافتن اهداف عالی آموزش و پرورش بود (عزیزیان، ۱۳۹۴). در سند «مبانی نظری تحول بنیادین تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران»[۱] نیز بر ضرورت وحدت بین تربیت رسمی و تربیت غیررسمی، خصوصاً نقش کلیدی خانواده در به سرانجام رسیدن غایت و هدف کلی تربیت و لزوم هماهنگی و همیاری آنها در دستیابی به اهداف و شایستگیهای لازم تاکید شده است(شورای عالی انقلاب فرهنگی،۱۳۹۰). باوجود نقش اساسی خانواده در تعلیم و تربیت، این نقش در عمل با چالشهایی روبه روست. بررسی نقش تربیتی خانواده در نظام آموزش و پرورش در گرو آگاهی از اهمیت نقش آن و نحوه ورود آن در فرآیند تربیت در کنار مدرسه است. والدین می‌بایست در فرآیندهای تصمیم‌گیری در همه زمینه‌های تاثیرگذار بر دانش‌آموزان، از مشارکت در تدوین اهداف کلی آموزش و پرورش، اظهارنظر در برنامه درسی و موضوعات درسی مورد نیاز دانش‌آموزان، نوع و شیوه‌های آموزش، همکاری در تامین بخشی از هزینه‌های آموزش و پرورش، تحقق بخشیدن به اهداف فوق‌برنامه و سایر برنامه‌های اصلاحی مدرسه و همسویی و همفکری در زمینه عملکرد معلمان در کلاس درس، فرآیند ارزشیابی و اظهار نظر در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان مشارکت داشته باشند و همچنین در تربیت عملی فرزندان در منزل برای دستیابی به همان اهداف و برنامه‌های پیش‌بینی شده، تلاش کنند.

ایجاد و تقویت این روحیه همکاری و تعامل میان خانه و مدرسه، مهم‌ترین عامل در بالا رفتن اعتماد دوجانبه و احترام متقابل میان والدین و مربیان است(وانک[۲]، ۲۰۰۸). اسناد بین المللی و کنوانسیونهای حقوقی مرتبط با آموزش و پرورش، وظیفه تعلیم و تربیت را برحسب اهداف این نهاد، مسئولیت مشترک والدین و دولت دانسته اند. به عنوان نمونه در بند ۳ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر[۳] آمده است: انتخاب نوع آموزش فرزندان با والدین است (صمدی و رضایی،۱۳۹۰). به‌زعم مردان‌اربط مؤثرترین عامل در پیشرفت نظام آموزشی، مشارکت اولیای دانش آموزان است؛ چراکه خانواده بیشترین نقش را در تعلیم و تربیت کودک ایفا می‌نماید (مردان اربط ،۱۳۹۲). مطالعه گاردن[۴] (۲۰۰۱) نیز تحت عنوان مشارکت والدین در تصمیم گیری مدرسه- محور در ایالات ویکتوریا و بریتیش کلمبیای کانادا نشان داد که والدین علاقه‌مند هستند ارتباط مدارس با آنها

۱. در ادامه با عنوان «مبانی نظری تحول بنیادین» ذکر خواهد شد.

2. Wanke
3. Universal Declaration of Human Rights
4. Garden

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

بیشتر شود و در نظام مدیریت و تصمیم‌گیری در مدرسه مشارکت داشته باشند (گاردن،۲۰۰۱؛ به نقل از پیری، ۱۳۸۸). اهمیت نقش خانواده در تربیت فرزندان به اندازه‌ای است که علم‌الهدی مسئولیت آن را در مواقع ضروری، جایگزین نظام تربیت رسمی می‌داند. به زعم وی خانواده باید در نظام تعلیم و تربیت مشارکت داشته باشد تا در صورت کافی نبودن اقدامات و یا ضعف دولت به طور مستقیم، بخشی اساسی از مسئولیت تعلیم و تربیت فرزندان خود را به عهده گیرد (علم‌الهدی، ۱۳۸۶). نکته اساسی دیگر در این مساله همانطور که بیگلی اشاره نموده است مشارکت خانواده‌ها در سیاستگذاریها و تصمیم‌گیریهای آموزشی که در زمینهٔ فعال ساختن و رفع کاستیها در همهٔ ارکان آموزش و پرورش صورت می‌گیرد، نوعی مشارکت دو سویه، آگاهانه و بر اساس احساس نیاز، تفکر و هدف مشترک است(بیگلی[1]،۱۹۹۶).

در مطالعه حاضر به منظور دستیابی به نتایج منسجم‌تر و دقیق‌تر، تلاش گردیده‌است که به نقش و مشارکت خانواده‌ها در نظام آموزشی با محوریت برنامه درسی به عنوان یکی از ارکان (زیرنظامهای) ششگانه[2] موردنظر اسناد تحولی پرداخته شود. جایگاه خاص این زیرنظام، در تعریفی که از برنامه درسی در «سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران» آمده نمایان است؛ چرا که در این سند، برنامه درسی به منزله «نقشه جامع یادگیری است که زمینه ایجاد تحول همه جانبه، گسترده و عمیق در مفاهیم و محتوای آموزشی را فراهم می‌نماید». برنامه درسی دارای فرآیندی چهار مرحله ای است که ضروری است هر یک از این مراحل به خوبی و با ظرافت خاصی تحقق یابد. چنانکه در مبانی نظری سند تحول بنیادین نیز، رسالت خطیر برنامه درسی ملی را فراهم آوردن سازوکارهای مناسب برای «طراحی»، «تدوین»، «اجرا» و «ارزشیابی» برنامه‌های درسی در سطوح ملی تا محلی دانسته اند تا مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، مفاهیم آموزشی و تربیتی به صورت نظام‌مند و ساختار یافته در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گیرد و محیطی با نشاط و مدرسه ای دوست داشتنی را به تصویر بکشاند» (شورای عالی آموزش و پرورش،۱۳۹۱). این ابعاد چهارگانه برنامه درسی اعم از طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی، در دیگر منابع تخصصی برنامه‌ریزی درسی (ملکی،۱۳۸۲؛ سیلور و همکاران، ۱۳۷۸؛ مهرمحمدی، ۱۳۸۷؛ طالبی، ۱۳۸۹؛ شورای عالی انقلاب فرهنگی،۱۳۹۰؛ اورنشتاین و هانکینز[3]، ۲۰۱۳) هم مورد تاکید است.

1. Beagly

۲. شامل زیرنظامهای مدیریت و رهبری؛ تربیت معلم و نیروی انسانی؛ برنامه درسی؛ فضا و تجهیزات و فناوری؛ منابع مالی؛ و پژوهش و ارزشیابی.

3. Ornstein & Hunkins

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

از طرفی در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران که به صورت متمرکز عمل می‌شود و برنامه‌های درسی را نهادی دولتی در مرکز تهیه و تدوین می‌کند و مناطق و مدارس ملزم به اجرای وفادارانهٔ آن هستند، ضرورت همراهی و مشارکت خانواده‌ها دوچندان می‌شود. از آنجا که در برنامه‌ریزی درسی متمرکز اکثر تصمیم‌گیرندگان برنامه‌های درسی با نیازها، شرایط و امکانات موجود در کلاسها و مدارس سراسر کشور آشنایی کامل ندارند و نسبت به نیازها و علائق جدید دانش‌آموزان و معلمان و اولیا به عنوان مخاطبان اصلی برنامه‌های درسی شناخت کمتری دارند، از این رو ممکن است برنامه‌های درسی و محتواهای آموزشی که تهیه و تدوین می‌کنند متناسب با نیازهای دانش‌آموزان و مقتضیات و شرایط خانواده‌ها و مناطق محلی سراسر کشور نباشد. وجود این آسیب در نتایج مطالعات انجام شده در زمینهٔ ارزشیابی از برنامه‌های درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده (صداقت،۱۳۹۰؛ حسنی،۱۳۹۱؛ تورانی،۱۳۹۲؛ امین خندقی، ۱۳۹۱؛ احقر،۱۳۹۲؛) اذعان شده است. از راهکارهایی که برای کاهش این آسیب پیشنهاد شده است، برقراری ارتباط نزدیک برنامه‌ریزان و مؤلفان کتابهای درسی با ذینفعان برنامه‌های درسی یعنی دانش‌آموزان، معلمان و اولیا است.

ماموریت خطیر برنامه درسی در نظام تعلیم و تربیت و ارتباط دو سویه‌اش با جامعه و تاثیرپذیری مستقیم از تغییر و تحولات حاکم بر جامعه، مستلزم به‌روز شدن دائم برنامه درسی و به‌کارگیری الگوها و مدلهای جدید و نوآورانه به منظور پاسخگویی به نیازهای نوین جامعه است. بر همین اساس در اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران نیز برنامه درسی شایستگی‌محور در حکم یک الگوی جدید و پاسخگو برای تربیت انسانی در طراز جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است. اگرچه به زعم ریچن و تیانا، در اکثر نظامهای آموزشی توسعه‌یافته در دنیا «برنامه درسی شایستگی-محوری» مدنظر است(ریچن و تیانا،۱۳۸۵)، ولی شایستگی‌محوری در این اسناد از ویژگیهایی متفاوت با آنچه در نظام‌آموزشی دنیا آمده است، برخوردار است.

رویکرد شایستگی‌محوری به منظور رفع نواقص و آسیبهای نظامهای آموزشی موجود و همخوانی بیشتر آن با نیازهای نوین جوامع، مطرح‌شده‌است. آموزش و پرورش شایسته-محور بر دستیابی به مهارتها و خبرگی تأکید دارد و هدف آن کمک به فراگیران در کسب مهارتها در سطحی است که خبره و متخصص به شمار آیند. در واقع، هدف این نظام آموزشی، تقویت و توسعهٔ خبرگی در دستیابی هر دانش‌آموز به شایستگیهای کلیدی است. نقش اصلی این نوع از تعلیم و تربیت، ایجاد و تداوم محیطی است که در آن به یاددهی– یادگیری شایستگیها و توانمندیهای

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

کلیدی پرداخته شود(پارسونز و بیچامپ[1]،۲۰۱۲). برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی-محوری را می‌توان دیدگاهی قلمداد نمود که به نوعی در بردارندهٔ همه محاسن دیدگاههای برنامه‌ریزی درسی است. به بیان دیگر به طور کلی شایستگی مجموعهٔ رفتارها یا فعالیتهای مرتبط، انواع دانش، مهارتها و انگیزه‌هایی است که پیش نیاز رفتاری، فنی و انگیزشی برای عملکرد موفقیت آمیز در یک نقش یا شغل مشخص است (هانشتاین[2]،۲۰۰۰). همچنین کاتانو، نیوسام و دی شایستگی را، هر گونه دانش، مهارت، توانایی یا کیفیت شخصی می‌دانند که از طریق رفتار نشان داده می شود و منجر به تعالی خـدمت دهی مـــی‌شود (کاتانو، نیوسام و دی؛ به نقل از باندر[3]،۲۰۰۳). در تبیین این امر، می‌توان به پژوهش والش اشاره نمود که بیان می‌کند در استفاده از رویکرد مبتنی بر شایستگی، برنامه درسی می‌تواند به گونه ای طراحی شود که فارغ التحصیلان را برای کار آماده سازد. همچنین تاکید او بر مهارتهای تفکر انتقادی و حل مساله است و مراحلی را برای یادگیری مادام العمر به منظور حفظ دانش و مهارتهای روزآمد شده براساس رویکردی تلفیقی و مبتنی بر نتایج و اعمال قابل مشاهده پیشنهاد می‌کند تا رویکرد سنتی مبتنی بر موضوع(والش،۲۰۰۲؛ به نقل از مومنی ممهوئی، کاظم‌پور و تفرشی،۱۳۹۰).

از برنامه درسی موردنظر اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران نیز، به «برنامه درسی شایستگی-محور» یاد می‌کنند. در بخشهای گوناگون اسناد تحولی، عبارت «شایستگی» و « کسب شایستگی» مورد تاکید فراوان بوده است. از نمونه‌های بارز شایستگی-محور و کسب شایستگی در نظام آموزشی موردنظر اسناد تحولی می‌توان به تعریف برنامه درسی در مبانی نظری سند تحول بنیادین اشاره کرد که: «برنامه درسی را مجموعه فرصتهای تربیتی نظام‌مند و طرح‌ریزی شده برای کسب شایستگیهای لازم جهت درک و اصلاح موقعیت...» معرفی می‌نماید (شورای عالی انقلاب فرهنگی،۱۳۹۰:۳۷۲). همچنین این سند شایستگیهای لازم را «بنیان تفضیل‌یافته‌ای از همان هدف کلی فرآیند تربیت می‌داند که متربیان با ملاحظهٔ آنها و کوشش نسبت به کسب این صفات و تواناییها، در راستای تحقق هدف کلی فرآیند تربیت و نتیجهٔ آن حرکت کنند (شورای عالی انقلاب فرهنگی،۱۳۹۰:۱۵۴). همه اینها نشان از جاری و ساری بودن شایستگی و روح آن در اسناد تحولی است. همچنین منظور از شایستگی در اسناد تحولی مجموعه‌ای ترکیبی از صفات، توانمندیها و مهارتهای فردی و جمعی است و مفهوم «کسب شایستگی» ناظر به عمل

1. Parsons & Beauchamp
2. Hauenstein
3. Bonder

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

آگاهانه و اختیاری متربیان طی فرآیند مستمر تربیت است که آنان در زمینه‌های معرفتی، انگیزشی، ارادی و عملیِ فراهم شده از سوی مربیان انجام می‌دهند. از ویژگیهای روند کسب شایستگیهای فردی و جمعی در تربیت مبتنی بر اسناد تحولی: موقعیت محوربودن (شکل‌گیری تحت تأثیر موقعیت؛ و در تعامل با عناصر موقعیت است)؛ جامع و ترکیبی‌بودن(پرهیز از فروکاستن آن به حوزهٔ دانش محض، گرایش، میل، اراده، عمل یا مهارتهای عملی صرف و اجتناب از مواجههٔ تجزیه نگر)؛ دانش‌آموز-محوری؛ روند مستمر و مداوم تکوین و تعالی هویت(شخصیت)فردی و جمعی دانش‌آموزان؛ آگاهانه و ارادی (متناسب با سطح رشد و آمادگی متربیان)، با تکیه برنظام معیار اسلامی است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰). گفتنی است که برنامه درسی شایستگی-محوری موردنظر اسناد تحولی(بر اساس توضیحات بالا) اگرچه از نظر عنوان مشابه برنامه‌های درسی دیگر کشورهای دنیا با واژه شایستگی-محوری[1] مطرح شده‌است، اما ماهیت آن با توجه به مبانی و فلسفه خاص ایرانی-اسلامی تعریف شده و متفاوت از دیگر نظامهای آموزشی است. همچنین شایستگی- محوری با این تعریف خاص را می‌توان از ویژگیهای شاخص نظام تربیتی جمهوری اسلامی ایران دانست.

در نظامهای آموزشی متمرکز همچون کشور ایران، برای هر یک از چهار مرحله برنامه درسی (طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی) ماموریتهایی تعریف شده است که متولیانی خاص عهده‌دار آن هستند. به عنوان نمونه متولی اصلی در مرحله طراحی، برنامه‌ریزان درسی و در مرحله اجرا، معلمان هستند. اما جنس هر یک از این مراحل و فعالیتها به‌گونه‌ای است که مستلزم بهره‌مندی از مشارکت افراد و گروههای گوناگون است. از سوی دیگر درصد تاثیرگذاری عوامل اجتماعی در تربیت دانش‌آموزان، در دوره‌های مختلف تحصیلی متفاوت است. در دوره ابتدایی که دانش آموزان، جدایی از خانواده و حضور در مدرسه را برای نخستین بار تجربه می‌کنند و در این مرحله رشدی ویژگیها و شرایط خاصی را پشت سر می گذارند، لازم است خانواده‌ها تعامل و مشارکت نزدیک‌تر با مدرسه به صورت همه جانبه داشته‌باشند. در مبانی نظری سند تحول بنیادین دربارهٔ ویژگیهای مراحل تربیت در چهار دوره تحصیلی به ویژه دوره اول و دوم ابتدایی، بر ارتباط خانواده با مدرسه در زمینهٔ تحقق بخشیدن به اهداف تربیت تاکید بسیار شده است. در بخش ویژگیهای دوره اول ابتدایی آمده است:«توجه به محوریت نقش خانواده در تدوین و اجرای برنامه‌های تربیتی و وجود ارتباط و هماهنگی کامل میان عوامل و نهادهای تربیت رسمی و غیر رسمی ضروری است». در

1. Competency-based

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

زمینهٔ ویژگیهای دوره دوم «وجود هماهنگی و همسویی رابطه میان خانواده، مدرسه و سایر نهادهای سهیم برای تدارک تجربیات غنی و متنوع فردی و گروهی در داخل و خارج از محیط مدرسه» مطرح شده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی،۱۳۹۰:۱۵۷). لذا مشارکت خانواده در برنامه درسی دوره ابتدایی مورد توجه بوده است و فقدان این تعامل و ارتباط، منجر به عقیم ماندن برنامه‌های درسی خواهد شد.

ردینگ (۱۹۹۲) در زمینهٔ جایگاه و اهمیت برنامه درسی خانواده به منزلهٔ یکی از ۹ مؤلفه مؤثر در بهره‌وری آموزشی، اظهار می‌دارد که برنامه درسی خانواده یا همان فرهنگ خانواده آشکارا نقشی بسیار تعیین کننده در برنامه درسی دارد. او در مطالعات خود نشان می دهد که تأثیر برنامه درسی خانواده، تا دو برابر بیشتر از تأثیر متغیرهای شناخته شده دیگر است(مهرمحمدی، ۱۳۹۱). بیگلی (۱۹۹۶) در مطالعه ای که در زمینه مشارکت خانواده‌ها انجام داد دریافت که مشارکت والدین در تصمیم‌گیریهای برنامه درسی بسیار کم بوده است و دلیل آن را نبود قوانین مدون و ساختاری رسمی برای مشارکت والدین در این زمینه، رواج فرهنگ اقتدار سنتی در آموزش و پرورش و نگرش منفی برنامه‌ریزان نسبت به توانایی خانواده‌ها به منظور مشارکت در تصمیم گیریها می‌داند. آقامحمدی و خرسندی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "بررسی میزان توجه به جایگاه خانواده مبتنی بر اخلاق- مداری در برنامه درسی" به بررسی جایگاه خانواده در برنامه درسی دوره ابتدایی از نظر معلمان پرداخته اند. آنها در پژوهش خود مفهوم خانواده اخلاق- مدار را در ابعاد تربیتی و آموزشی، عاطفی، حقوقی و تکلیفی و نیز در بعد مدیریتی مورد بررسی قرار داده اند. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد که میزان توجه به مفهوم خانواده مبتنی بر اخلاق- مداری در برنامه درسی ابتدایی در ابعاد تربیتی و آموزشی و نیز در بعد مدیریتی نامطلوب ارزیابی شده است. اما در ابعاد حقوقی و تکلیفی و عاطفی از مطلوبیت نسبی برخوردار بوده و در حد کافی و لازم مورد توجه قرارگرفته است. به طور کلی بررسی تحقیقات صورت‌گرفته در این زمینه حاکی از آن است که فرهنگ خانواده نقشی آشکار و بسیار تعیین کننده در بالابردن بهره‌وری آموزش و پرورش و عملکرد تحصیلی دانش آموزان در مقایسه با سایر متغیرها دارد. در اکثر نظامهای آموزشی متمرکز، رواج فرهنگ اقتدار سنتی مسئولان آموزش و پرورش و نگرش منفی برنامه‌ریزان درسی نسبت به توانایی خانواده‌ها به منظور مشارکت در تصمیم‌گیری موجب شده است تا مشارکت آنها در برنامه‌ریزی درسی بسیار کم شود. پژوهشگران به منظور مشارکت بیشتر خانواده‌ها بر افزایش آگاهی و فرهنگ خانواده‌ها و نقش سازنده آنها در رشد و توسعه آموزش و پرورش، میدان دادن به والدین برای مشارکت بیشتر، غیر متمرکز کردن مدیریت نظام آموزشی، فعال تر کردن شوراهای

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

منطقه ای، دادن مسئولیت بیشتر آموزشی- تربیتی به اولیای دانش آموزان و فراهم ساختن زمینه برقراری ارتباط مؤثر مدیران مدارس با اولیا و واگذاری بخشی از هزینه‌های جاری مدارس به والدین تاکید دارند.

با توجه به نقش کلیدی مشارکت خانواده در نظامهای آموزشی، به ویژه در مراحل گوناگون برنامه‌ریزی درسی، سؤال اساسی این است که در اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران که در سالهای اخیر(۹۱-۱۳۹۰) به تصویب رسیده و برای اجرا به وزارت آموزش و پروش ابلاغ شده است، تا چه اندازه به نقش خانواده در برنامه درسی شایستگی-محور در دوره ابتدایی توجه شده است؟

اهداف و سؤالات پژوهش

هدف پژوهش تعیین نقش خانواده در تولید (طراحی و تدوین)، اجرا و ارزشیابی برنامه درسی شایستگی- محور دوره ابتدایی از منظر اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش است.

سؤال اصلی پژوهش

اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش چه نقش و جایگاهی برای خانواده در تولید (طراحی و تدوین)، اجرا و ارزشیابی برنامه درسی شایستگی-محور دوره ابتدایی پیش‌بینی کرده‌اند؟

سؤالات فرعی پژوهش

۱. از منظر اسناد تحولی، خانواده در تولید(طراحی و تدوین) برنامه درسی شایستگی-محور دوره ابتدایی چه نقشی دارد؟

۲. از منظر اسناد تحولی، در اجرای برنامه درسی شایستگی-محور دوره ابتدایی چه جایگاهی برای خانواده تعریف شده است؟

۳. از منظر اسناد تحولی، برای خانواده در ارزشیابی از برنامه‌درسی شایستگی-محور دوره ابتدایی چه جایگاهی تعریف شده است؟

۴. اصول حاکم بر نقش خانواده در تحقق اهداف برنامه درسی شایستگی-محور دوره ابتدایی از منظر اسناد تحولی کدام اند؟

۵. آیا اسناد تحولی نسبت به مشارکت و همراهی خانواده در فرآیند برنامه درسی شایستگی-محور تاکید ویژه‌ای برای دوره ابتدایی دارد؟

تعریف متغیرها

برنامه درسی شایستگی-محور: در مبانی نظری سند تحول بنیادین، برنامه درسی به مجموعه فرصتهای تربیتی نظام‌مند و طرح‌ریزی شده و نتایج مترتب بر آنها اطلاق می‌شود که متربیان برای کسب شایستگیهای لازم جهت درک و اصلاح موقعیت بر اساس نظام معیار اسلامی در معرض آنها

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

قرار می‌گیرند تا با تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش مرتبه قابل قبولی از آمادگی برای تحقق حیات طیبه در همه ابعاد را به دست آورند (شورای عالی انقلاب فرهنگی،۱۳۹۰). در این مطالعه منظور از شایستگیها مجموعه‌ای ترکیبی از صفات، توانمندیها و مهارتهای فردی و جمعی ناظر به همهٔ جنبه‌های هویت(در ابعاد فردی وجمعی) است، که متربیان در جهت درک موقعیت خود و دیگران و عمل فردی وجمعی برای بهبود مستمر آن براساس نظام معیار اسلامی، باید این گونه شایستگیها را «کسب» کنند(شورای عالی انقلاب فرهنگی،۱۳۹۰).

دوره ابتدایی: منظور دو دوره سه ساله اول و دوم ابتدایی است که شامل شش پایه اول تحصیلات آموزش عمومی است.

تولید برنامه درسی: تولید برنامه درسی، مجموعه تصمیمات و سیاستگذاریهای آموزشی مرتبط در سطح کلان و طراحی و تدوین برنامه‌های درسی در سطح برنامه‌ریزی درسی را شامل می‌گردد. البته در بسیاری از منابع، طراحی و تدوین را دو مرحله جدا برنامه‌ریزی درسی می‌دانند ولی در این مطالعه بر اساس نوع مشارکت خانواده‌ها تجمیع شده‌اند.

اجرای برنامه درسی: منظور از این مرحله از فرآیند برنامه‌ریزی درسی در این مطالعه، روشهای آموزش، مجریان آموزش، محیط آموزش و نظارت بر آموزش است.

ارزشیابی برنامه‌درسی: در این مطالعه منظور، ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و جوانب گوناگون آن است. لازم به یادآوری است که مراحل برنامه‌ریزی درسی از تعاملی تنگاتنگ با همدیگر برخوردارند.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی است و در انجام آن از پژوهش تلفیقی[1] استفاده شده است. پژوهش تلفیقی به ارزیابی و ترکیب نتایج مطالعات انجام شده می پردازد. در این مطالعه از مدل شش مرحله‌ای رابرتس(۱۹۸۳؛ به نقل از شورت[2]، ترجمه مهرمحمدی،۱۳۸۸:۳۶۱) به شرح زیر استفاده شده‌است:

۱. شناسایی موضوع، اجرای جستجوی مقدماتی و شفاف سازی مساله: در این مرحله، مساله مورد پژوهش مشخص می‌شود. بحث میزان توجه اسناد تحولی به نقش و جایگاه خانواده در برنامه درسی شایستگی –محور در دوره ابتدایی، سؤال اصلی این مطالعه است.

1. Integrated research
2. Short

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

۲. اجرای پژوهش به منظور بازیابی مطالعات: در مرحله دوم پس از تعیین مساله، واکاوی اسناد تحولی انجام و گزاره‌های شناسایی و استخراج شده با دید جامع، در ابزار تهیه شده (جداول) ثبت شد.

۳. گزینش، پالایش و سازمان‌دهی مطالعات: داوری در مورد اینکه چه گزاره‌هایی ارتباطی بالا با مساله پژوهش دارد، کاری پیچیده بود. توضیح اینکه پیش از شروع کار و به هنگام تهیه و تنظیم جدول درج گزاره‌ها (مطالب)، میان سه کارشناس توافق و نگاه مشترک برای انتخاب گزاره‌های مرتبط با سؤال پژوهش به عمل آمد. مثلاً طی فرآیند عمل، این مشخصه مدام رصد می‌شد که گزاره انتخابی، مرتبط با نقش خانواده در برنامه‌درسی دوره ابتدایی باشد. برهمین اساس گزاره‌های مرتبط استخراج و در جدول تهیه شده برای درج اطلاعات موردنظر، وارد شدند.

۴. تعیین چارچوب ادراکی و متناسب ساختن آن با اطلاعات حاصل از تحلیل: در این مرحله، طبقه‌بندی گزاره‌های استخراج شده و درج‌شده در جدول، انجام شد تا هم از یکدستی محتوایی برخوردار باشند و هم موارد همپوشانی حذف شود.

۵. پردازش، ترکیب و تفسیر: در این مرحله از ترکیب گزاره‌ها و برهم‌نهی آنها، در هر بخش، برآیند نهایی به دست آمد.

۶. ارائه نتایج ترکیب: در این مرحله ترکیبی از نتایج به دست آمده، به صورت یکپارچه تهیه و ارائه گردید.

جامعه و نمونه آماری: جامعه آماری در این پژوهش اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری‌اسلامی ایران به ترتیب از مرتبط‌ترین سند، شامل سندبرنامه درسی ملی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند مبانی نظری تحول در تربیت رسمی و عمومی بودند که همهٔ آنها برای مطالعه به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

روش گردآوری اطلاعات: گردآوری اطلاعات در این پژوهش که به منظور بررسی اسناد و استخراج گزاره‌های مرتبط با مساله پژوهش صورت پذیرفت، به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شد.

ابزار گردآوری اطلاعات: ابزار این پژوهش، جهت استخراج اطلاعات از اسناد تحولی، جدول استخراج اطلاعات به روش فیش‌برداری، طبقه‌بندی و کدگذاری بود که در روش اسنادی کاربرد دارند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

روش توصیف و تجزیه و تحلیل اطلاعات: در این مطالعه پس از تحلیل اسناد مورد نظر و تدوین مقوله‌های هدفی و حذف همپوشانیها، طبقه‌بندی مقوله‌های هدفی انجام شد. از آنجا که «برای اطمینان از پایایی درونی در مقوله‌بندیها و تدوین برآیندها، «روش مقایسه مداوم»[1]، مورد استفاده قرار می‌گیرد»(گال و همکاران،۱۳۸۲)؛ در این مطالعه نیز پس از انجام هر مرحله از فرآیند مطالعه، یافته‌ها طی رفت و برگشتهای مداوم با کارشناسان، در میان گذاشته شدند و مورد حک و اصلاح قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

در این بخش یافته‌های مطالعه به تفکیک سؤالات جزئی پژوهش(پنج سؤال) ارائه می‌گردد. توضیح اینکه کد منابع حرف اول اسناد است. به این صورت که منظور از حرف ب، برنامه درسی ملی، حرف س، سند تحول بنیادین و حرف م، مبانی نظری تحول بنیادین است. همچنین گزاره‌های مربوط به طراحی و تدوین، زیر عنوان «تولید» آورده شده است.

۱. از منظر اسناد تحولی، خانواده در تولید(طراحی و تدوین) برنامه درسی شایستگی-محور دوره ابتدایی چه نقشی دارد؟

جدول شماره ۱: گزاره‌های مرتبط با نقش مشارکتی خانواده در تولید برنامه درسی

ردیف	کد منبع	صفحه	گزاره ها
۱	ب	۴۸	وزارت آموزش و پرورش موظف است **از مشارکت حداکثری خانواده‌ها**، دستگاههای فرهنگی، ... برای طراحی و اجرای برنامه‌ها و فعالیتهای خارج از کلاس و مدرسه، به‌ویژه بخشی از برنامه‌هایی که در تابستان اجرا می‌شود بهره بگیرد.
۲	س	۲۱	تقویت ایمان، بصیرت دینی و باور به ارزشهای انقلاب اسلامی و توانمندسازی مربیان و دانش آموزان برای وفاداری و حمایت آگاهانه از این ارزشها و مواجهه هوشمندانه با توطئه‌های دشمنان، با بهره‌گیری از ظرفیت برنامه های آموزشی و تربیتی آموزش و پرورش **و مشارکت خانواده** و سایر نهادها و دستگاهها.
۳	م	۲۱۸	با وجود ورود کودکان به مدارس، یعنی کانون تحقق تربیت رسمی و عمومی و همچنین واگذار شدن فرآیند هدف گذاری، سیاست گذاری، برنامه ریزی، اجرا و نظارت، ارزشیابی و اصلاح نظام تربیت رسمی و عمومی به دولت، **مسئولیت تربیت همچنان به دوش والدین است.** تداوم تکلیف والدین در همهٔ مراحل تربیت و انواع آن، تعامل و مشارکت میان دولت اسلامی (حاکمیت) و خانواده ها را اجتناب ناپذیر کرده است.
۴	م	۳۱۸	در نظام حقوقی اسلامی مشارکت و نظارت حق والدین است و دولت باید زمینه‌های تحقق یافتن این حق را برآورده سازد. به نظر می‌رسد در مواردی مانند **تدوین مقررات آموزشی و برنامه‌ها، انتخاب محتوا و تهیهٔ منابع آموزشی و کمک آموزشی، تأمین هزینه‌ها، و نحوهٔ مصرف اعتبارات، جلب مشارکت مادی و معنوی والدین ضروری است.**
۵	م	۳۱۸	به طورکلی خانواده در راستای تحقق حق بر تربیت رسمی می‌تواند این نقشها را نسبت به فرزندان ایفا کند: **انتخاب نوع مدرسه برای فرزندان** / نظارت بر کارکرد مدرسه / **مشارکت در فعالیتهای مدرسه** ای، مانند مشارکت در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی غیر الزامی؛ / **حضور درسیاست گذاریها و برنامه ریزیهای** نظام تربیت رسمی و عمومی.
۶	م	۳۰۳	در واقع آمادگی برای زندگی مشترک خانوادگی از شایستگیهای مشترکی است که در کانون توجه تربیت رسمی و عمومی نیز قرار می گیرد، اما رویکرد تربیت جنسیتی در تربیت رسمی و عمومی یک رویکرد نرم است. منظور از رویکرد نرم توجه به سطح رشدی است و اینکه وظیفهٔ

1. Constant comparison

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

ردیف	کد منبع	صفحه	گزاره ها
			اصلی ایجاد **آمادگی برای تشکیل خانواده(ازدواج) به عهدهٔ** نهادهای ذیربط خواهد بود.
۷	م	۳۰۳	در جهت گیری ساحت اجتماعی و سیاسی، تربیت برای عضویت **فضیلت مدارانه در"خانواده صالح** و جامعهٔ صالح " است. ارتباط با خانواده یکی از اساسی ترین مؤلفه‌های ارتباط است که در شکل گیری بنیادهای هویت انسانها نقشی انکارنشدنی دارد. بر این اساس، **زندگی خانوادگی، آمادگی** برای آن و شکل گیری و تداوم این شکل از حیات اجتماعی از مؤلفه‌های اساسی تربیت اجتماعی است.
۸	م	۲۹۸	یکی از جلوه های کانونی همکاری و تعاون در مدرسه، در نسبت وثیقی است که **مدرسه و خانواده برقرار** می‌کنند. **در این نگرش، خانواده و مدرسه** دو فضای تربیتی مکمل همدیگر خواهند بود. به ویژه اینکه والدین، باید نقشی تعیین کننده در سازوکارهای اجرایی تربیت رسمی داشته باشند، لازم است اولیا با معلمان و مدیریت مدرسه ارتباط مستمر داشته باشند و همواره مدرسه محل تردد آنان باشد. لذا سازو کارهای تربیت رسمی باید به گونه ای ترتیب داده **شود که حق خانواده**، به مثابهٔ یکی از ارکان تربیت، رعایت گردد.
۹	م	۲۸۷	**مشارکت خانواده ها**، اصحاب رسانه و نهادها و سازمانهای غیردولتی در سیاستگذاری، برنامه ریزی، پشتیبانی و هماهنگی، اجرا و نظارت و ارزشیابی در جهت تحقق بخشیدن به رسالت و اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی ضروری است.
۱۰	م	۲۳۶	تربیت رسمی بخشی از جریان تربیت است که به شکل سازمان دهی شده، قانونی، عادلانه، همگانی و الزامی در مدرسه با محوریت دولت اسلامی **و مشارکت فعال دیگر ارکان تربیت- خانواده**، رسانه و نهادهای غیردولتی... -صورت می پذیرد
۱۱	م	۲۱۴	حقِ بر تربیت دو جنبهٔ فردی و اجتماعی دارد. در جنبهٔ فردی تربیت، فرد و خانواده صاحب حق و تکلیف اند. لذا به طور کلی **مسئولیت اولیه و اصلی تربیت کودکان با والدین است** و دولت نقش مکمل و ناظر را به عهده دارد. ولی ایفای جنبهٔ اجتماعی حق بر تربیت باید با مسئولیت ارکان تربیت و همهٔ نهادهای سهیم صورت پذیرد که در تربیت رسمی مسئولیت اصلی به عهدهٔ حاکمیت است و والدین نقش مکمل و ناظر را دارند. در عین **حال والدین(خانواده) در فرآیند تربیت رسمی و عمومی فرزندان خود ازاین حقوق** برخوردارند: **حق انتخاب نوع تربیت فرزندان خود (در چارچوب فلسفهٔ تربیتی جامعه) / حق مشارکت در مدیریت نظام تربیت رسمی و عمومی در حد توانایی و صلاحیت / حق مشارکت در جریان تربیت فرزندان خود / حق نظارت بر نظام تربیت رسمی و عمومی**
۱۲	م	۱۸۲	**خانواده نیز که به طور مستقیم مورد خطاب آیهٔ « قوا انفسکم و أهلیکم ناراً وَقودها الناس و الحجارة »واقع می‌شود، نمی‌تواند نسبت به** اهداف، برنامه‌ها و اقدامات تربیتی انجام یافته نسبت به فرزندان خویش بی توجه باشد. به این ترتیب **خانواده نه تنها درپشتیبانی و اجرای طرحهای تربیتی**، بلکه در **سیاست گذاری، برنامه ریزی و به ویژه ارزشیابی از برنامه ها و اقدامات فرآیند تربیت باید مشارکت فعال داشته باشد.**

تعداد ۱۲ گزاره کلیدی بر مشارکت خانواده‌ها در تولید برنامه‌های درسی به صورت مستقیم و غیر مستقیم اشاره‌داشته‌اند. در بسیاری از موارد بر مبانی دینی و قانونی نیز اشاره شده است.

۲. از منظر اسناد تحولی، در اجرای برنامه درسی شایستگی-محور دوره ابتدایی چه جایگاهی برای خانواده تعریف شده است؟

جدول ۲: گزاره‌های مرتبط با نقش مشارکتی خانواده در اجرای برنامه درسی

ردیف	کد منبع	صفحه	گزاره ها
۱	ب	۱۴	خانواده که از محیطهای مهم و اثر بخش یادگیری به شمار می‌آید باید در **تعامل مستمر و مؤثر با مدرسه** باشد.
۲	ب	۱۴	مدیر مدرسه؛ با برقراری روابط صحیح، سازنده و پویا، امکان درک و اصلاح مداوم موقعیت را برای کلیه عوامل (کارکنان و **خانواده‌ها)** و دستیابی به سازمان یادگیرنده فراهم می سازد.
۳	ب	۴۸	وزارت آموزش و پرورش مسئولیت زمینه سازی لازم را برای هدایت و **غنی‌سازی زمان غیررسمی تعلیم تربیت در خانه**، مدرسه و خارج از مدرسه به عهده دارد.
۴	ب	۴۸	وزارت آموزش و پرورش موظف است **از مشارکت حداکثری خانواده‌ها**، دستگاههای فرهنگی و... برای طراحی و اجرای برنامه‌ها و فعالیتهای خارج از کلاس و مدرسه، به ویژه بخشی از برنامه‌هایی که در تابستان اجرا می‌شود بهره گیری کند.
۵	ب	۳۸	برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه، **آموزش آداب و مهارتهای زندگی و خانواده** فرصتی است برای به کارگیری آموخته‌ها در موقعیتهای

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

ردیف	کد منبع	صفحه	گزاره ها
			واقعی زندگی و متناسب با تفاوتهای فردی و شرایط و مقتضیات محلی که وظیفه آماده کردن فرد **برای ورود آگاهانه و مسئولانه به زندگی خانوادگی** و اجتماعی را به عهده دارد.
۶	س	۱۲	وزارت آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، با **مشارکت خانواده، نهادها و سازمانهای** دولتی و غیردولتی، مأموریت دارد با تأکید بر شایستگیهای پایه، زمینه دستیابی دانش آموزان به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، **خانوادگی**، اجتماعی و جهانی را به صورت نظام‌مند، همگانی، عادلانه و الزامی فراهم سازد.
۷	س	۲۱	تقویت ایمان، بصیرت دینی و باور به ارزشهای انقلاب اسلامی و توانمندسازی مربیان و دانش آموزان برای وفاداری و حمایت آگاهانه از این ارزشها و مواجهه هوشمندانه با توطئه های دشمنان، با بهره گیری از ظرفیت برنامه های آموزشی و تربیتی آموزش و پرورش **و مشارکت خانواده** و سایر نهادها و دستگاهها.
۸	م	۲۱۸	با وجود ورود کودکان به مدارس و همچنین واگذار شدن فرآیند هدف گذاری، سیاست گذاری، برنامه ریزی، اجرا و نظارت، ارزشیابی و اصلاح نظام تربیت رسمی و عمومی به دولت، **مسئولیت تربیت همچنان به دوش والدین است.** تداوم تکلیف والدین در همهٔ مراحل تربیت، تعامل و مشارکت میان دولت و خانواده ها را اجتناب ناپذیر کرده است.
۹	م	۳۱۸	در نظام حقوقی اسلامی مشارکت و نظارت حق والدین است و دولت باید زمینه های تحقق این حق را برآورده سازد. به نظر می رسد در مواردی مانند **تدوین مقررات آموزشی و برنامه ها، انتخاب محتوا و تهیهٔ منابع آموزشی و کمک آموزشی، تأمین هزینه ها، و نحوهٔ مصرف اعتبارات، جلب مشارکت مادی و معنوی والدین ضروری است.**
۱۰	م	۳۱۸	به طورکلی خانواده در راستای تحقق حقِ بر تربیت رسمی می تواند این نقشها را نسبت به فرزندان ایفا کند: **انتخاب نوع مدرسه برای فرزندان** / نظارت بر کارکرد مدرسه / **مشارکت در فعالیتهای مدرسه** ای، مانند مشارکت در طراحی و اجرای برنامه های درسی غیر الزامی؛ / **حضور در سیاست گذاریها و برنامه ریزیهای** نظام تربیت رسمی و عمومی.
۱۱	م	۳۰۳	در جهت گیری ساحت اجتماعی و سیاسی، تربیت برای عضویت **فضیلت مدارانه در"خانواده صالح** وجامعهٔ صالح " است. ارتباط با خانواده یکی از اساسی ترین مؤلفه‌های ارتباط است که در شکل گیری بنیادهای هویت انسانها نقشی انکار ناپذیر دارد. بر این اساس، **زندگی خانوادگی، آمادگی** برای آن و شکل گیری و تداوم این شکل از حیات اجتماعی از مؤلفه‌های اساسی تربیت اجتماعی است.
۱۲	م	۲۹۸	یکی از جلوه های کانونی همکاری وتعاون در مدرسه، در نسبت وثیقی است که **مدرسه و خانواده برقرار** می‌کنند. **در این نگرش، خانواده و مدرسه** دو فضای تربیتی مکمل همدیگرند، به ویژه با توجه به اینکه والدین، باید نقشی تعیین کننده در سازوکارهای اجرایی تربیت داشته باشند، ضرورت دارد اولیا با معلمان و مدیریت مدرسه ارتباط مستمر داشته و همواره مدرسه محل تردد آنان باشد. لذا سازو کارهای تربیت رسمی باید به گونه ای ترتیب داده **شوند که حق خانواده،** به مثابهٔ یکی از ارکان تربیت، رعایت شود.
۱۳	م	۲۸۷	**مشارکت خانواده ها،** اصحاب رسانه و نهادهای غیردولتی و تشکلهای مردم نهاد در سیاست‌گذاری، برنامه ریزی، پشتیبانی و هماهنگی، اجرا و نظارت و ارزشیابی در جهت تحقق بخشیدن به رسالت و اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی ضروری است.
۱۴	م	۲۶۹	تکوین وتعالی هویت جنسی/ جنسیتی، مانند ابعاد دیگر هویت، امری عمدتاً انتخابی واختیاری وآگاهانه است و تربیت رسمی می‌تواند تنها برخی از زمینه‌های مهم آن را فراهم سازد؛ چه اینکه بخشی مهم از زمینه های کسب شایستگیهای مرتبط با هویت جنسی/ جنسیتی را باید توسط نهادهای دیگر مانند **خانواده، رسانه** و نهادهای دینی فراهم آورند.
۱۵	م	۲۳۶	تربیت رسمی بخشی از جریان تربیت است که به شکل سازمان دهی شده، قانونی، عادلانه، همگانی و الزامی در مدرسه با محوریت دولت اسلامی **و مشارکت فعال دیگر ارکان تربیت- خانواده،** رسانه و نهادهای غیردولتی - صورت می پذیرد
۱۶	م	۲۱۴	حق بر تربیت دو جنبهٔ فردی و اجتماعی دارد. در جنبهٔ فردی تربیت، فرد و خانواده صاحب حق و تکلیف اند. لذا به طور کلی **مسئولیت اولیه و اصلی تربیت کودکان با والدین است** و دولت نقش مکمل و ناظر را به عهده دارد. ولی ایفای جنبهٔ اجتماعی حق بر تربیت باید با مسئولیت ارکان تربیت و همهٔ نهادهای سهیم صورت پذیرد که در تربیت رسمی و عمومی مسئولیت اصلی به عهدهٔ حاکمیت است و والدین نقش مکمل و ناظر را دارند. در عین **حال والدین در فرآیند تربیت رسمی فرزندان خود ازاین حقوق** برخوردارند: **حق انتخاب نوع تربیت فرزندان خود / حق نظارت و مشارکت در مدیریت نظام تربیت رسمی و عمومی در حد توانایی و صلاحیت / حق مشارکت در جریان تربیت فرزندان خود.**
۱۷	م	۱۸۲	**خانواده نیز که به طور مستقیم مورد خطاب آیهٔ «** قوا انفسکم و أهلیکم ناراً وَقودها الناس و الحجارهٔ »واقع می شود، نمی تواند نسبت به اهداف، برنامه ها و اقدامات تربیتی انجام یافته نسبت به فرزندان خویش بی توجه باشد .به این ترتیب **خانواده نه تنها درپشتیبانی و اجرای طرحهای تربیتی،** بلکه در **سیاست گذاری، برنامه ریزی و به ویژه ارزشیابی از برنامه ها و اقدامات فرآیند تربیت باید مشارکت فعال داشته باشد.**

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

تعداد ۱۷ گزاره کلیدی بر مشارکت خانواده‌ها در اجرای برنامه‌های درسی به صورت مستقیم و غیر مستقیم اشاره‌داشته‌اند. این مرحله از فرآیند برنامه درسی ارتباطی تنگاتنگ، به ویژه در دوره ابتدایی با خانواده‌ها داشته و اسناد نیز تاکید بیشتری در این زمینه داشته‌اند.

۳. از منظر اسناد تحولی، برای خانواده در ارزشیابی از برنامه‌درسی شایستگی-محور دوره ابتدایی چه جایگاهی تعریف شده است؟

جدول ۳: گزاره‌های مرتبط با نقش مشارکتی خانواده در ارزشیابی برنامه درسی

ردیف	کد منبع	صفحه	گزاره ها
۱	ب	۴۲	ارزشیابی پیشرفت تحصیلی با تاکید بر بهره‌گیری از تکالیف عملکردی در سنجش میزان دستیابی دانش‌آموزان به شایستگیها و تلاش برای تحقق بخشیدن به جامعه عدل مهدوی (عج) و دستیابی به مراتبی از حیات طیبه، گزارش عملکرد تحصیلی و تربیتی آنان با همکاری دانش‌آموز، اولیا **مدرسه و والدین** تنظیم و ارائه شود.
۲	م	۲۱۸	با وجود ورود کودکان به مدارس و همچنین واگذار شدن فرآیند هدف گذاری، سیاست گذاری، برنامه ریزی، اجرا و نظارت، ارزشیابی و اصلاح نظام تربیت رسمی به دولت، **مسئولیت تربیت همچنان به دوش والدین است.** تداوم تکلیف والدین در همهٔ مراحل تربیت، تعامل و مشارکت میان دولت اسلامی (حاکمیت) و خانواده ها را اجتناب ناپذیر کرده است.
۳	م	۳۱۸	در نظام حقوقی اسلامی مشارکت و نظارت حق والدین است و دولت باید زمینه های تحقق این حق را برآورده سازد. به نظر می رسد در مواردی مانند **تدوین مقررات آموزشی و برنامه ها، انتخاب محتوا و تهیهٔ منابع آموزشی و کمک آموزشی، تأمین هزینه ها، و نحوهٔ مصرف اعتبارات، جلب مشارکت مادی و معنوی والدین ضروری است.**
۴	م	۳۱۸	به طورکلی خانواده در راستای تحقق حقِ بر تربیت رسمی می تواند این نقشها را نسبت به فرزندان ایفا کند: **انتخاب نوع مدرسه برای فرزندان** / نظارت بر کارکرد مدرسه / **مشارکت در فعالیتهای مدرسه** ای، مانند مشارکت در طراحی و اجرای برنامه های درسی غیر الزامی؛ / **حضور در سیاست‌گذاریها و برنامه ریزیهای** نظام تربیت رسمی و عمومی.
۵	م	۲۹۸	یکی از جلوه های کانونی همکاری و تعاون در مدرسه، در نسبت وثیقی است که **مدرسه و خانواده برقرار** می‌کنند. **در این نگرش، خانواده و مدرسه** دو فضای تربیتی مکمل همدیگر خواهند بود. به ویژه با توجه به این که والدین، باید نقشی تعیین کننده در سازو کارهای اجرایی تربیت رسمی داشته باشند، ضرورت دارد اولیا با معلمان و مدیریت مدرسه ارتباط مستمر داشته باشند و همواره مدرسه محل تردد آنان باشد. لذا سازو کارهای تربیت رسمی و عمومی باید به گونه ای ترتیب داده **شوند که حق خانواده،** به مثابهٔ یکی از ارکان تربیت، رعایت شود.
۶	م	۲۸۷	**مشارکت خانواده ها،** اصحاب رسانه و نهادهای غیردولتی و تشکلهای مردم نهاد در سیاست‌گذاری، برنامه ریزی، پشتیبانی و هماهنگی، اجرا و نظارت و ارزشیابی در جهت تحقق بخشیدن به رسالت و اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی ضروری است.
۷	م	۲۳۶	تربیت رسمی بخشی از جریان تربیت که به شکل سازمان دهی شده، قانونی، عادلانه، همگانی و الزامی در مدرسه با محوریت دولت اسلامی **و مشارکت فعال دیگر ارکان تربیت- خانواده،** رسانه وسازمانهای غیردولتی - صورت می‌پذیرد.
۸	م	۲۱۴	حقِ بر تربیت دو جنبهٔ فردی و اجتماعی دارد. در جنبهٔ فردی تربیت، فرد و خانواده صاحب حق و تکلیف اند. لذا به طور کلی **مسئولیت اولیه و اصلی تربیت کودکان با والدین است** و دولت نقش مکمل و ناظر را به عهده دارد. ولی ایفای جنبهٔ اجتماعی حق بر تربیت باید با مسئولیت ارکان تربیت و همهٔ نهادهای سهیم صورت پذیرد که در تربیت رسمی مسئولیت اصلی به عهدهٔ حاکمیت است و والدین نقش مکمل و ناظر را دارند. در عین **حال والدین(خانواده) در فرآیند تربیت رسمی و عمومی فرزندان خود از این حقوق** برخوردارند: **حق انتخاب نوع تربیت فرزندان خود/ حق نظارت و مشارکت در مدیریت نظام تربیت رسمی و عمومی در حد توانایی و صلاحیت / حق مشارکت در جریان تربیت فرزندان خود**
۹	م	۱۸۲	**خانواده نیز که به طور مستقیم مورد خطاب آیهٔ «** قوا انفسکم و أهلیکم ناراً وَقودها الناس و الحجارهٔ **»**واقع می شود، نمی‌تواند نسبت به اهداف، برنامه ها و اقدامات تربیتی انجام یافته نسبت به فرزندان خویش بی توجه باشد. به این ترتیب **خانواده نه تنها در پشتیبانی و اجرای طرحهای تربیتی،** بلکه در **سیاست گذاری، برنامه ریزی و به ویژه ارزشیابی از برنامه ها و اقدامات فرآیند تربیت باید مشارکت فعال داشته باشد.**
۱۰	م	۳۰۳	جهت گیری ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، تربیت برای عضویت **فضیلت مدارانه در"خانواده صالح** و جامعهٔ صالح " است. ارتباط

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

ردیف	کد منبع	صفحه	گزاره ها
			با خانواده یکی از اساسی ترین مؤلفه‌های ارتباط است که در شکل گیری بنیادهای هویت انسانها نقشی انکار ناپذیر دارد. بر این اساس، **زندگی خانوادگی**، **آمادگی** برای آن و شکل گیری و تداوم این شکل از حیات اجتماعی از مؤلفه‌های اصلی و اساسی تربیت اجتماعی است. در تربیت رسمی و عمومی، صرف نظر از تأکید بر شایستگیهای پایه(عواملی که به تقویت نهاد **خانواده** منجر می شوند و **از لوازم استحکام خانواده به شمار می آیند**)، به نقشهای جنسیتی مانند نقش پدری و نقش مادری نیز توجه جدی می شود.

تعداد ۱۰ گزاره کلیدی بر مشارکت خانواده‌ها در ارزشیابی برنامه‌های درسی با تاکید بر ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان به صورت مستقیم و غیر مستقیم اشاره‌داشته‌اند. در دوره ابتدایی نگاه تعاملی به ارزشیابی دانش‌آموزان میان معلمان و والدین حاکم است.

۴. اصول حاکم بر نقش خانواده در تحقق اهداف برنامه درسی شایستگی-محور دوره ابتدایی از منظر اسناد تحولی کدام اند؟

جدول ۴: گزاره‌های مرتبط با اصول حاکم بر نقش خانواده در تحقق اهداف برنامه‌درسی

ردیف	کد منبع	صفحه	گزاره ها
۱	ب	۱۴	**خانواده** که از محیطهای مهم و اثر بخش یادگیری به شمار می‌آید باید در **تعامل مستمر و مؤثر با مدرسه** باشد.
۲	ب	۴۸	وزارت آموزش و پرورش مسئولیت زمینه سازی لازم را برای هدایت و **غنی‌سازی زمان غیررسمی تعلیم تربیت در خانه**، مدرسه و خارج از مدرسه به عهده دارد.
۳	س	۱۳	مدرسه در افق چشم انداز ۱۴۰۴ نقش آفرین در انتخاب آگاهانه، عقلانی، مسئولانه و اختیاری **فرآیند زندگی فردی، خانوادگی** و اجتماعی دانش آموزان بر اساس نظام معیار اسلامی است.
۴	م	۳۵۰	وجود ارتباط و هماهنگی کامل میان عوامل **ونهادهای تربیت رسمی و غیر رسمی در دستیابی به اهداف ضروری است.**
۵	م	۳۵۱	وجود هماهنگی و **همسویی میان خانواده و سایر نهادهای** سهیم در جریان تربیت رسمی و عمومی، برای کمک به فرد در شناخت و انتخاب آگاهانه نظام معیاراسلامی و التزام به آن ضروری است.
۶	م	۳۱۷	با عنایت به تلازم حق و تکلیف در دیدگاه اسلامی، **مشارکت والدین در مدیریت تربیت رسمی و عمومی حق** آنهاست و دولت اسلامی موظف است در استیفای این حق بکوشد و سازوکارهای ضروری آن را فراهم آورد. بنابراین، **رابطهٔ حاکمیت و خانواده در امر تربیت**، به ویژه تربیت رسمی و عمومی، رابطه طولی و تعاملی است.
۷	م	۳۱۸	از مجموع قوانین و مقررات کنونی کشور ما برمی آید که **مسئولیت اصلی تربیت کودک در نظام حقوقی ایران با والدین یا سرپرست قانونی کودک است.** بند الف مادهٔ۷ اعلامیهٔ اسلامی حقوق بشر اسلامی نیز مقرر می دارد که«...**والدین و کسانی که از نظر قانون شرع به منزلهٔ والدین هستند، حق انتخاب نوع تربیتی را برای فرزندان خود خواهند داشت** که منافع وآیندهٔ آنان را در پرتو ارزشهای اخلاقی و احکام شرعی تأمین کند».
۸	م	۲۱۸	با وجود ورود کودکان به مدارس و همچنین واگذار شدن فرآیند هدف گذاری، سیاست گذاری، برنامه ریزی، اجرا و نظارت، ارزشیابی و اصلاح نظام تربیت رسمی و عمومی به دولت، **مسئولیت تربیت هم چنان به دوش والدین است.** تداوم تکلیف والدین در تمامی مراحل تربیت ، تعامل و مشارکت میان دولت اسلامی (حاکمیت) و خانواده ها اجتناب ناپذیر کرده است.
۹	م	۳۱۸	در نظام حقوقی اسلامی مشارکت و نظارت حق والدین است و دولت باید زمینه های تحقق یافتن این حق را برآورده سازد. به نظر می‌رسد در مواردی مانند **تدوین مقررات آموزشی و برنامه ها، انتخاب محتوا و تهیهٔ منابع آموزشی و**

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

ردیف	کد منبع	صفحه	گزاره ها
			کمک آموزشی، تأمین هزینه ها، و نحوهٔ مصرف اعتبارات، جلب مشارکت مادی و معنوی والدین ضروری است.
۱۰	م	۳۱۸	به طورکلی خانواده در راستای تحقق حقِ بر تربیت رسمی و عمومی می تواند این نقشها را نسبت به فرزندان ایفا کند: **انتخاب نوع مدرسه برای فرزندان** / نظارت بر کارکرد مدرسه / **مشارکت در فعالیتهای مدرسه** ای، مانند مشارکت در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی غیر الزامی؛ / **حضور درسیاستگذاریها و برنامه ریزیهای** نظام تربیت رسمی و عمومی.
۱۱	م	۲۱۸	**حضور رکن خانواده** در فرآیند تربیت رسمی و عمومی، روشی مطمئن برای پیشگیری از دولتی شدن کامل نظام تربیت رسمی و عمومی و کنترل سلطهٔ نامحدود دولت برروند تکوین هویت افراد و ابزاری شدن آن و راهکاری مناسب در برابر انتقادهای جدی وارد بر تربیت رسمی دراین زمینه است.
۱۲	م	۳۲۳	به طور کلی پیچیدگی و گستردگی جریان تحقق حقِ بر تربیت رسمی و عمومی و همچنین جنبهٔ اجتماعی حقِ بر تربیت رسمی و عمومی، نباید موجب سلطهٔ انحصاری دولت بر تربیت شود؛ زیرا این انحصار ممکن است به انحراف جریان تربیت رسمی و عمومی بینجامد و تحقق مطلوب رسالت، کارکردها و اهداف آن را با مشکل روبه رو سازد. تعهد حاکمیت به رعایت، حمایت و تحقق کامل حقِ بر تربیت رسمی و عمومی دلالت بر این دارد که به افراد و گروهها و انجمنهای غیردولتی(از جمله خانواده) اجازه داده می شود در راستای تحقق کامل این حق، به صورت قانونمند مشارکت جویند.
۱۳	م	۳۱۳	ارکان تربیت رسمی همان عناصر اصلی(سهیم و مؤثر) در تحقق شایستهٔ جریان تربیت رسمی و عمومی اند که به ترتیب میزان نقش‌آفرینی در این نوع تربیت عبارت اند از: دولت اسلامی(**حاکمیت**)، **خانواده**، **رسانه**، نهادها و سازمانهای غیردولتی.
۱۴	م	۳۰۱	انعطاف پذیری نسبت به واقعیات متنوع محیطی و خرده فرهنگها **و خانواده ها** (ضمن حفظ اصول).
۱۵	م	۲۳۴	در نظام تربیت رسمی و عمومی مطلوب، **خانواده، مهم ترین نهاد پشتوانهٔ تشکیل جامعهٔ صالح** به شمار می آید، **از این رو تأسیس و حفظ خانواده، از** ارزشهای اساسیِ برگرفته از سنت اسلامی است و نوباوگان و نوجوانان باید به اهمیت این نهاد ارزشمند و بنیادی پی ببرند و مهارتهای ضروری را برای تشکیل و تداوم آن کسب کنند.
۱۶	م	۲۲۳	**نهاد خانواده که نقشی غیر قابل انکار در تربیت به عهده دارد، یکی از نهادهای بنیادی جامعه به شمار می‌آید.** در نگاه اسلامی سلامت جامعه و رسیدن به جامعه ای سالم **منوط به وجود خانواده های سالم و کارکرد مناسب آنها در همهٔ ابعاد زندگی است** .یکی از نهادهای اجتماعی مؤثر و بنیادی در انواع تربیت، **به ویژه در سنین کودکی و نوجوانی، نهاد خانواده** است و لذا خانواده در هر حال نقشی انکارناپذیر در فرآیند تربیت دارد.
۱۷	م	۲۱۴	حقِ بر تربیت از جمله موضوعاتی است که دو جنبهٔ فردی و اجتماعی دارد که استیفای این حق با تکلیف نهادهای گوناگون جامعه همراه است. در جنبهٔ فردی تربیت، فرد و خانواده صاحب حق و تکلیف اند. لذا به طور کلی **مسئولیت اولیه و اصلی تربیت کودکان با والدین است** و دولت نقش مکمل و ناظر را به عهده دارد. ولی ایفای جنبهٔ اجتماعی حق بر تربیت باید با مسئولیت ارکان تربیت و همهٔ نهادهای سهیم صورت پذیرد که در تربیت رسمی و عمومی مسئولیت اصلی به عهدهٔ حاکمیت است و والدین نقش مکمل و ناظر را دارند.
۱۸	م		می دانیم که **خانواده به طور طبیعی مهم ترین نقش را در زمینه سازی رشد و تحول فرزندان به عهده دارد؛** لذا در دیدگاه اسلامی با ملاحظات گوناگون، **بر جایگاه خانواده در فرآیند تربیت** تأکید می شود.
۱۹	م	۱۸۲	**مشارکت والدین در فرآیند تربیت (در همهٔ انواع آن) هم حق و هم تکلیف آنهاست و دولت اسلامی موظف است در استیفای این حق و کمک به ادای این تکلیف بکوشد و سازوکارهای ضروری آن را فراهم آورد.** لذا لازم است با طراحی و اجرای تدابیر مناسب، خانواده را به لحاظ فکری و انگیزشی برای انجام دادن تکالیف تربیتی و ایفای این نقش فعال در فرآیند تربیت فرزندان خویش آماده کند.
۲۰	ب	۳۸	برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه، **آموزش آداب و مهارتهای زندگی و خانواده** فرصتی است برای به کارگیری

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

ردیف	کد منبع	صفحه	گزاره ها
			آموخته‌ها در موقعیتهای واقعی زندگی و متناسب با تفاوتهای فردی و شرایط و مقتضیات محلی که وظیفه آماده کردن فرد **برای ورود آگاهانه و مسئولانه به زندگی خانوادگی** و اجتماعی را به عهده دارد.
۲۱	س	۲۳	تهیه و تدوین محتوای آموزشی برای دانش آموزان جهت آشنایی با ویژگیها، نیازها و **وظایف خـانواده در** چـارچوب ارزشها و معیارهای اسلامی ضروری است.
۲۲	م	۳۰۴	توجه به شایستگیهای پایه برای مشارکت متربیان **در حیات خانوادگی**، مدرسه‌ای، اجتماعی و سیاسی (مدیریت زندگی فردی و اجتماعی)؛ توجه به شایستگیهای پایه و ویژه **برای تشکیل خانواده صالح** به مثابهٔ مؤلفه اساسی و تداوم بخش حیات جامعهٔ صالح؛ و در بستر فرهنگ و روابط **اجتماعی و خانوادگی با نگاهی** گزینشی و اقدام برای اصلاح و بهبود مستمر آن.
۲۳	م	۳۰۳	در تربیت رسمی و عمومی، صرف نظر از تأکید بر شایستگیهای پایه(عواملی که به تقویت نهاد **خانواده** می انجامد و **از لوازم استحکام خانواده محسوب** می شود)، به نقشهای جنسیتی مانند نقش پدری و نقش مادری نیز توجه جدی می شود.
۲۴	م	۳۰۳	برقراری ارتباط مناسب با دیگران (**اعضای خانواده**، خویشاوندان، دوستان، همسایگان و همکاران و...)، تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی، کسب دانش و اخلاق اجتماعی و مهارتهای ارتباطی از دیگر شایستگیهای موردنظر است.
۲۵	م	۲۶۹	هویت جنسیتی از مهم‌ترین لایه‌های هویت است که در نظام تربیت رسمی و عمومی و در تداوم روند تکوین وتعالی هویت مشترک متربیان باید به آن توجه جدی شود. زیرا به سبب **اهمیت نهاد خانواده** و نقش آن در تحقق جامعهٔ صالح، تکوین وتعالی هویت جنسیتی می‌تواند در این نظام برای کسب شایستگیهای لازم جهت درک وبهبود مداوم موقعیت خود ودیگران کانون توجه قرار گیرد، که مواردی مانند نقشهای جنسیتی و آمادگی **برای تشکیل خانواده ازجمله** این شایستگیهاست.

تعداد ۲۵ گزاره به عنوان اصول حاکم بر نقش خانواده در تحقق بخشیدن به اهداف برنامه‌های درسی دوره ابتدایی به صورت مستقیم و غیرمستقیم شناسایی شده‌اند. این اصول به مثابه چارچوبی جهت‌دهنده برای تاکید و الزام بر دخالت دادن خانواده‌ها در به سرانجام‌رساندن برنامه‌های درسی مطرح شده‌اند.

سؤال ۵. آیا اسناد تحولی نسبت به مشارکت و همراهی خانواده در فرآیند برنامه درسی شایستگی-محور تاکید ویژه‌ای برای دوره ابتدایی دارد؟

جدول ۵: گزاره‌های مرتبط با نقش خانواده در برنامه‌های درسی شایستگی-محور در دوره ابتدایی(ویژه سازی)

ردیف	کد منبع	صفحه	گزاره ها
۱	م	۱۸۲	بدیهی است که نقش و **جایگاه والدین در انجام دادن تکلیف و حق تربیت فرزندان** در همهٔ سطوح و انواع تربیت یکسان نیست. تردیدی نیست که این نقش به سبب شرایط رشدی کودکان در سنین آغازین زندگی برجسته و حساس تر و ضروری تر است.
۲	م	۳۵۰	توجه به محوریت نقش خانواده در تدوین واجرای برنامه های تربیتی ضروری است.
۳	م	۳۵۰	در مرحله اول تربیت(سه ساله اول ابتدایی) وجود ارتباط و هماهنگی کامل میان عوامل ونهادهای تربیت رسمی و غیر رسمی ضروری است.
۴	م	۳۵۱	در مرحله دوم تربیت(سه ساله دوم ابتدایی) وجود هماهنگی و همسویی رابطه میان خانواده، مدرسه و سایر نهادهای سهیم برای تدارک

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

ردیف	کد منبع	صفحه	گزاره ها
			تجربیات غنی و متنوع فردی و گروهی در داخل و خارج از محیط مدرسه ضروری است.
۵	م	۳۱۷	**نقش والدین در تحقق حقِ بر تربیت فرزندان**، در تمامی سطوح و انواع تربیت، یکسان نیست. بی شک، این نقش **به سبب شرایط رشد کودکان در سنین آغازین زندگی برجسته تر، حساس تر و ضروری تر است**.
۶	م	۲۲۳	**نهاد خانواده که نقشی انکارناپذیر در تربیت به عهده دارد**، یکی از نهادهای اجتماعی مؤثر و بنیادی در انواع تربیت، **به ویژه در سنین کودکی و نوجوانی** است. در **واقع نهاد خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی و در عین حال** مهم‌ترین و تأثیرگذارترین واحد تربیتی در جوامع برای تربیت فرزندان است. لذا خانواده در هر حال نقشی انکارناپذیر در تربیت دارد.
۷	م	۲۱۴	حقِ بر تربیت دو جنبهٔ فردی و اجتماعی دارد که استیفای این حق با تکلیف نهادهای گوناگون جامعه همراه است. در جنبهٔ فردی تربیت، فرد و خانواده صاحب حق و تکلیف اند. لذا **مسئولیت اولیه و اصلی تربیت کودکان با والدین است** و دولت نقش مکمل و ناظر را به عهده دارد، اما ایفای جنبهٔ اجتماعی حق بر تربیت باید با مسئولیت ارکان تربیت و همهٔ نهادهای سهیم صورت پذیرد که در تربیت رسمی و عمومی مسئولیت اصلی به عهدهٔ حاکمیت است و والدین نقش مکمل و ناظر را دارند.

دوره ابتدایی که شروع دوره جدایی کودکان از خانواده و حضور در محیط رسمی و برقراری ارتباط با افراد جدید است، از نظر اسناد تحولی تربیت بدون حضور والدین و تعامل نزدیک آنها با مدرسه، پذیرفتنی نیست و ناقص است. بر همین اساس تعداد ۷ گزاره که بعضی از آنها بسیار هم ویژه هستند بر این مساله تاکید دارند.

جدول شماره ۶: آمار کل گزاره‌های استخراجی مرتبط با نقش خانواده در برنامه درسی شایستگی-محور

مراحل برنامه درسی / کمیت	تولید	اجرا	ارزشیابی	اصول حاکم	ویژه‌ساز ابتدایی	جمع
فراوانی گزاره‌ها	۱۲	۱۷	۱۰	۲۵	۷	۷۱
جمع درصد	۱۶/۶	۲۳/۶	۱۴	۳۶	۹/۷	۱۰۰درصد

بحث و نتیجه‌گیری

باتوجه به سؤال اصلی و سؤالات فرعی پژوهش و تحلیل و تفسیر گزاره‌های مرتبط با نقش خانواده در برنامه درسی مستخرج از اسناد تحولی، نتایج داده‌های پژوهش را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

در مورد سؤال اول پژوهش یعنی، «از نظر اسناد تحولی، خانواده در تولید(طراحی و تدوین) برنامه‌های درسی شایستگی-محور از چه جایگاهی برخوردار است؟» اسناد تحولی بر ضرورت مشارکت خانواده‌ها در سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، طراحی و تدوین برنامه‌های درسی تاکید نموده‌اند (گزاره‌های ردیف۱، ۹،۳ ، ۱۲ جدول شماره یک). همچنین این مشارکت را حق شرعی و قانونی والدین دانسته‌اند(گزاره‌های ردیف۴ و ۵). در این اسناد آمده است مشارکت والدین در فرآیند تربیت (در همهٔ انواع آن) هم یک حق الهی و هم یک تکلیف دینی است و دولت اسلامی موظف است در استیفای این حق و کمک به ادای این تکلیف بکوشد و سازوکارهای ضروری را

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

برای اجرای آن فراهم آورد. البته اسناد تحولی دخالت در جریان تربیت را صرفاً به منزلهٔ حق و تکلیف اختصاصی خانواده ندانسته، بلکه آن را به مثابه یک مسئولیت مشترک میان خانواده و دولت اسلامی قلمداد کرده است(گزاره ردیف ۱۱ جدول یک).

در پاسخ سؤال دو مبنی بر «از منظر اسناد تحولی، خانواده چه نقشی در اجرای برنامه درسی شایستگی- محور دوره ابتدایی دارد؟» اینطور آمده است که در نگرش اسلامی خانواده و مدرسه دو فضای تربیتی مکمل یکدیگرند و حتی محیط خانواده را بخشی از محیط یادگیری دانسته و مسئولیت والدین را در این راستا بسیار مهم دانسته است (ردیف ۱ و ۵ جدول دو) به ویژه آنکه والدین براساس مبانی حقوقی پیش‌گفته، باید نقشی تعیین کننده در سازو کارهای طراحی و اجرایی تربیت رسمی داشته باشند(گزاره ردیف ۹ جدول شماره دو). همچنین لازم است اولیا با معلمان و مدیریت مدرسه ارتباط مستمر داشته باشند و همواره مدرسه محل تردد آنان باشد(گزاره های ردیف ۴،۳،۲، ۷). اسناد تحولی بر همکاری و مشارکت فعال خانواده در تنظیم اوقات فراغت دانش‌آموزان، مشارکت در امور مدرسه، دریافت مشاوره از مدرسه در امور تحصیلی و تربیتی دانش‌آموزان خود، آشنایی با اهداف برنامه های درسی و غنی‌سازی برنامه درسی در خانه، مدرسه و خارج از مدرسه تاکید دارند. اسناد تحولی مسئولیت خانواده را در سطح دولت و همراه آن دانسته است (گزاره ردیف۶، ۸، ۹، ۱۶)، حتی بعضی از مواقع تربیت را میان دولت و خانواده تقسیم کرده است و جنبه فردی تربیت را سهم خانواده و جنبه اجتماعی را سهم دولت و خانواده به عنوان ناظر مطرح شده است (ردیف ۱۶ جدول شماره دو). این گزاره ها یادآور الگوهای حمایتی و غنی سازی برنامه درسی است که افرادی مانند بیگلی (۱۹۹۶) و فیتزجرالد[1](۲۰۰۴) نیز به آن اشاره کرده‌اند.

در مورد سؤال سوم پژوهش یعنی نقش خانواده در ارزشیابی از برنامه درسی دوره ابتدایی از منظر اسناد تحولی، تحلیل داده نشان می‌دهد که ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، به‌ویژه در دوره ابتدایی به منظور اطمینان از تحقق یافتن شایستگیهای موردنظر نیازمند همکاری و مشارکت اولیای دانش‌آموزان است(ردیف ۱ جدول شماره ۳). همچنین بر ادامه مسئولیت والدین در همهٔ مراحل تربیت از سیاستگذاری، هدف‌گذاری و ارزشیابی به منظور تحقق بخشیدن به اهداف به‌ویژه در دوره ابتدایی تاکید شده‌است(گزاره‌های ردیف۲، ۳، ۶، ۹ ، ۱۰) نظارت و مشارکت خانواده‌ها بر تدوین مقررات آموزشی، محتوای آموزشی و غیره که مقدمه ارزشیابی هستند و ارزشیابی بر آن

1. Fitzgerald

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

اساس صورت می‌گیرد، ضروری اعلام شده است(گزاره‌های ردیف ۸، ۳،۴،۵). به طور کلی در دوره ابتدایی نگاه تعاملی به ارزشیابی دانش‌آموزان میان معلمان و والدین حاکم است.

در پاسخ به سؤال چهار پژوهش مبنی بر اصول حاکم بر نقش خانواده در برنامه درسی شایستگی-محور دوره ابتدایی، آمده است که هر چند وزارت آموزش و پرورش مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرآیند تعلیم و تربیت در همه ساحتهای تعلیم و تربیت و قوام بخش فرهنگ عمومی و تعالی بخش جامعه اسلامی بر اساس نظام معیار اسلامی است، اما این کار را باید با مشارکت خانواده، نهادها و سازمانهای دولتی و غیردولتی به انجام برساند(گزاره‌های ردیف۲، ۴، ۵، ۱۳، جدول شماره چهار). از طرفی به موجب این گزاره‌ها، وزارت آموزش و پرورش موظف شده است که از مشارکت حداکثری خانواده‌ها، دستگاههای فرهنگی، هنری، خدماتی، مذهبی، تولیدی و ... برای طراحی و اجرای برنامه‌ها و فعالیتهای خارج از کلاس و مدرسه، به ویژه بخشی از برنامه‌ها که در تابستان اجرا می‌شود بهره بگیرد. در این گزاره‌ها سطح مشارکت در همهٔ لایه‌ها و سطوح پیش بینی شده است و اختصاص به دوره تحصیلی خاصی ندارد. البته شدت مشارکت تابع عوامل گوناگون است. برای مثال در سنین آغازین رشد کودک که دوره حساس کودکی و نوجوانی و مرحله تشکیل هویت و یادگیری نقش جنسیتی است، میزان و شدت مشارکت بیش از سایر مراحل است (گزاره ردیف ۱۶ جدول شماره چهار). تحلیل محتوای گزاره‌های ۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۶ نشان می‌دهد که مشارکت والدین در همه دوره‌های تحصیلی ضرورت دارد، اما بر دوره ابتدایی(کودکان) تاکید خاص شده است. والدین باید با سیاستگذاران در سطح کلان در فعالیتهایی همچون تدوین اهداف‌آموزشی و در سطح میانی در تدوین اهداف برنامه‌های درسی مانند چگونگی تقویت هویت اسلامی –ایرانی، ترویج سبک زندگی اسلامی –ایرانی، ترویج ارزشهای مرتبط با خانواده سالم و صالح، یادگیری مهارتهای تشکیل خانواده موفق، آشنا کردن کودکان با وظایف خانوادگی و نقشهای جنسیتی، فرآیند اجتماعی بارآوردن دانش آموزان، چگونگی حفظ سلامت جسمانی و روانی در خانواده، طراحی برنامه‌هایی با توجه به نیازهای منطقه و خرده‌فرهنگها، با برنامه‌ریزان در سطوح ملی، منطقه ای و مدرسه ای همکاری کنند. در این بخش همچنین بر ضرورت مشارکت والدین در تمام فرآیند برنامه درسی، به ویژه تدوین محتواهای آموزشی برای دستیابی فرزندان به شایستگیهای (اهداف) موردنظر به سبب آشنایی آنها با نیازها و ویژگیهای دانش‌آموزان به منزلهٔ یک وظیفه تاکید شده است(گزاره‌های ردیف ۱۸،۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵). در ضمن در مواردی حضور خانواده و مشارکت آنها در تربیت دانش‌آموزان را مانع از دولتی

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

شدن کامل نظام آموزشی و حتی ممانعت از انحراف آن می‌داند(گزاره‌های ردیف۱۱ ، ۱۲). اسناد یونسکو (۲۰۰۰؛ به نقل از هندرسون و ماپ،[1] ۲۰۰۲) نیز نشان داده است که نظام آموزش و پرورش برای محقق نمودن اهداف خود به تنهایی قادر نیست و به مشارکت فعال خانواده‌ها نیازمند است. توجه به مشارکت خانواده‌ها در برنامه درسی که در گزاره‌های گوناگون اسناد تحولی مورد توجه قرار گرفته، در پژوهش صادقی(۱۳۹۱) نیز تایید شده است. گزاره‌ها همچنین تاکیدی بر توجه اسناد بر الگوی مشارکتی خانواده در برنامه درسی دارند که فیتزجرالد نیز در سال ۲۰۰۴ به آن اشاره کرده است.

در پاسخ به سؤال شماره پنج مبنی بر «تاکید ویژه اسناد تحولی بر اهمیت تعامل و مشارکت خانواده در دوره ابتدایی به منظور تحقق بخشیدن به اهداف برنامه درسی»، تحلیل گزاره‌ها نشان از غیر ممکن بودن تحقق رضایت‌بخش اهداف برنامه‌های درسی دوره ابتدایی بدون تعامل نزدیک والدین، معلمان و مدرسه دارد و حتی محوریت را در فرآیند برنامه ریزی‌درسی به خانواده داده است (گزاره‌های ردیف ۱، ۲، ۴ و ۵ جدول شماره پنج). همچنین دستیابی به شایستگیهای پایه در دوره ابتدایی را منوط به همراهی محیط خانوادگی دانسته است (گزاره‌های ردیف ۲ و ۶ جدول پنج).

به طور کلی والدین (خانواده) در فرآیند تربیت رسمی و عمومی فرزندان خود از حقوق زیر برخوردارند: حق انتخاب نوع تربیت فرزندان خود در چارچوب فلسفهٔ تربیتی جامعه، حق مشارکت در مدیریت نظام تربیت رسمی و عمومی در حد توانایی و صلاحیت، حق مشارکت در جریان تربیت فرزندان خود و حق نظارت بر نظام تربیت رسمی و عمومی. همچنین الزامات برای دخالت خانواده در جریان تربیت ناشی از عواملی مانند مناسب‌ترین بستر برای رشد کودک و نوجوان، هویت سازی، حمایتهای گوناگون از کودک و نوجوان در ابعاد مختلف، همسویی با برنامه‌های آموزش و پرورش در دستیابی به اهداف آن، استحکام بخشیدن به بنیان خانواده و مشارکت در تشکیل جامعه صالح با توجه ارزشهای اسلامی، محدویت بودجه دولت و عدم پاسخگویی نظام برنامه‌ریزی درسی متمرکز به نیاز خرده فرهنگ‌ها ذکر شده است.

شایان ذکر است که در جنبهٔ اجتماعی تربیت، دولت اسلامی برای تحقق شایستهٔ حقِ تربیت نسبت به آحاد افراد جامعه در سطح ملی عهده دار سیاستگذاری و برنامه‌ریزی برای تحقق بخشیدن

1. Henderson & Mapp

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

به آرمانهای ملی و در سطح فراملی و جهانی نیز مسئولیت تقویت صلح در سطح منطقه وجهان و تحقق آرمانهای امت را با مشارکت خانوادهها و همراهی آنها به عهده دارد.

گزارههای فوق همخوانی نزدیک با پروتکلهای جهانی(مانند بند۳ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸و ماده ۲پروتکل الحاقی کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای بنیانیه مصوب سال ۱۹۵۲) و حتی کامل‌تر از آنها در زمینه حقوق والدین در انتخاب نوع آموزش فرزندان از سوی والدین با توجه به اعتقادات مذهبی و فلسفی خانوادهها و حقوق دولتها در فراهم کردن آموزش و پرورش برای کودکان در اسناد تحولی دارد. همچنین با نتایج مطالعات بیگلی (۱۹۹۶) مبنی برحق خانواده در سیاستگذاری و مشارکت در آموزش وپرورش و تاکید علم‌الهدی (۱۳۸۶) بر «لزوم وارد شدن خانوادهها در جریان تعلیم و تربیت، در صورت کافی نبودن منابع و اقدامات دولت» هماهنگی دارد.

محدودیتهای تحقیق

اکثر گزارهها و مطالب اسناد تحولی، به زبان فلسفی و گاهی آرمانی و کلی ارائه شده است که تفسیر، تحلیل و تبدیل آنها به زبان مرسوم و کاربردی در بدنه اجرایی نظام تعلیم و تربیت دشوار است.

پیشنهادها

الف) کاربردی

نظام‌نامه‌ای (راهنمای عمل) برای مشارکت و همکاری نزدیک خانواده با نظام تعلیم و تربیت با محوریت برنامه درسی از سطح ستاد تا صف مبتنی بر گزاره‌های به‌دست آمده در این مطالعه، تدوین و در آن نحوه تعامل دو نهاد خانواده و آموزش و پرورش مشخص شود.

ب) پژوهشی

۱. انجام طرح امکان‌سنجی نحوه مشارکت خانوادهها در برنامه‌های درسی از سطح تولید، اجرا و ارزشیابی.
۲. انجام دادن مطالعات تطبیقی در زمینهٔ نحوه جذب مشارکت خانوادهها در تعامل با نظام تربیتی در سطوح مختلف.
۳. تعیین راههای توانمندسازی خانواده ها به منظور مشارکت و تعامل با نظام تعلیم و تربیت بر اساس الگوهای بومی.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

منابع

آقامحمدی، جواد و خرسندی یامچی، اکبر. (۱۳۹۴). بررسی میزان توجه به جایگاه خانواده مبتنی بر اخلاق مداری در برنامه درسی. *فصلنامه علمی-ترویجی اخلاق*،۵ (۱۸)، ۱۲۹-۱۵۱.

احقر، قدسی. (۱۳۹۲). *ارزشیابی از برنامه درسی بخوانیم و بنویسیم پایه دوم و ششم ابتدایی*. تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

امین خندقی، مسعود و سعیدی رضوانی، محمود. (۱۳۹۱). *گزارش نهایی طرح ملی ارزشیابی کتاب هدیه های آسمان دوره ابتدایی در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران*. تهران: پژوهشکده برنامه ریزی و نوآوری های آموزشی، وزارت آموزش و پرورش.

پور علیرضا توتکله، علی. (۱۳۸۸) نقش خانواده، مدرسه و جامعه در بهداشت روانی. *مجله اطلاعات علمی*، ۹ (۳۵۸)، ۲۱-۲۹.

پیری، موسی. (۱۳۸۸). *طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه ریزی درسی مدرسه محور*. رساله دکتری برنامه‌ریزی درسی. تهران: دانشگاه تربیت معلم.

تورانی، حیدر. (۱۳۹۲). *ارزشیابی از برنامه درسی تفکر و پژوهش پایه ششم ابتدایی*. تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

حسنی، محمد.(۱۳۹۱). *ارزشیابی از برنامه درسی قرآن پایه سوم ابتدایی*. تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

رابرتسون، یان. (۱۳۷۴). *درآمدی بر جامعه: با تاکید برنظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی*، (ترجمه حسین بهروان). مشهد: آستان قدس رضوی.

ریچن، دی.اس. و تیانا، ای. (۱۳۸۵). *توسعه صلاحیت های کلیدی در آموزش و پرورش؛ درسهایی چند از تجارب بین المللی و ملی*، (ترجمه فریده مشایخ و محمد جعفر جوادی). تهران: دبیرخانه طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش.

سیلور، گالن جی.؛ الکساندر، ویلیام ام. و لوئیس، آرتور جی. (۱۳۷۸). *برنامه‌ریزی‌درسی برای تدریس و یادگیری بهتر*، (ترجمه غلامرضا خوی‌نژاد). مشهد: شرکت به‌نشر.

شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۱). *برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران*. با همکاری شورای عالی آموزش و پرورش. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.

_____ (۱۳۹۰). *مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*. با همکاری شورای عالی آموزش و پرورش. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.

شورت، ادموند. (۱۳۸۸). *روش شناسی تحقیق در مطالعات برنامه درسی*، (ترجمه محمود مهرمحمدی و همکاران). تهران: سمت.

صادقی، علیرضا. (۱۳۹۱). ویژگیها و ضرورتهای تدوین برنامه درسی چندفرهنگی در ایران: بررسی چالشها و ارائه راهبردها. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، (۱۷-۱۸)، ۹۳-۱۲۱.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

صداقت، مریم. (۱۳۹۰). *ارزشیابی برنامه درسی زمین شناسی دوره متوسطه و پیش دانشگاهی*. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

صمدی، معصومه و رضایی، منیره. (۱۳۹۰). بررسی نقش تربیتی خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی از دیدگاه علم و دین. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۱۹(۱۲)، ۹۵-۱۱۷.

طالبی، سعید؛ مظلومیان، سعید و صیف، محمدحسن. (۱۳۸۹). *اصول برنامه‌ریزی درسی (رشته علوم تربیتی)*. تهران: دانشگاه پیام نور.

عزیزیان، نسرین.(۱۳۹۴). *بررسی نقش خانواده و آموزش و پرورش در ایجاد پدیده شکاف نسل ها و ارائه راهکارهای حل آن*. دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی. تهران. خرداد ۱۳۹۴.

علم الهدی، جمیله. (۱۳۸۶). *فلسفه تعلیم و تربیت رسمی*. تهران: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.

گال، مردیت؛ والتر، بورگ و جویس، گال. (۱۳۸۲). *روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی*، (ترجمه احمدرضا نصر و همکاران). تهران: سمت.

مردان اربط، فاطمه. (۱۳۹۲). *مطالعه تجربیات والدین از مشارکت در اجرای برنامه درسی دوره ابتدایی در سال تحصیلی۹۲-۹۱(یک مطالعه پدیدارشناسی)*. پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته برنامه ریزی درسی. دانشگاه تبریز: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

ملکی، حسن. (۱۳۸۲). *برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)*. تهران: پیام اندیشه.

مومنی مهموئی، حسین؛ کاظم پور، اسماعیل و تفرشی، محمد. (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی؛ راهبردی مطلوب برای توسعه شایستگی‌های اساسی. *فصلنامه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۴ (۳)، ۱۴۳-۱۴۹.

مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۷). *برنامه درسی: نظرگاه ها، رویکردها و چشم اندازها*. تهران: سمت.

_____ (۱۳۹۱). فرهنگ خانواده مبنای مغفول در ساماندهی تعاملات خانه و مدرسه. *راهبرد فرهنگ*، (۱۷ و ۱۸)، ۲۷۵-۲۹۴.

Beagly, D. E. (1996). *Parent participation in curriculum decision making: A case study*. Australia: La Trobe University.

Bonder, A. (2003). *A Blueprint for the future: Competency-based management in HRDC*. Unpublished presentation, HRDC Canada.

Fitzgerald, D. (2004). *Parent partnership in the early years*. London: Continuum.

Hauenstein, P. (2000). Competency modeling approaches and strategies. *Advantage Hiring Newsletter*, http://www.advantagehiring.com/newsletter/0700/n0700_2.htm

Henderson, A.T., & Mapp, K.L. (2002). *A new wave of evidence: The impact of school, family, and community connections on student achievement.* Austin, TX: National Center for Family & Community Connections with Schools.

Ornstein, A. C., & Hunkins, F. P. (2013). *Curriculum: Foundations, principles, and issues* (6th ed.). Boston, MA: Pearson.

Parsons, J., & Beauchamp, L. (2012). *From knowledge to action: Shaping the future of curriculum development in Alberta*. Alberta Education, Canada. Retrieved from http://education.alberta.ca/media/6581166/framework.pdf

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]

Protocol to Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms. Article 2. (1952). Available at: http//www.echr.coe.int/NR/rdonlyres/D5CC24A7-DC13-4318-Bb457-5C9014916D7A/0/ EnglishAnglais.pdf.

Sleeter, C. (2008). Equity, democracy and neoliberal assaults on teacher education. *Teaching and Teacher Education, 24*(8), 1947-1957.

Stacey, M. (1991). *Parents and teachers together: Partnership in Primary and Nursery Education (Innovations in Education).* Philadelphia: Open University Press.

Vincent, C. & Tomlinson, S. (2000). Home – school relationship: The swarming of disciplinary mechanism? In S.J. Ball (Ed.), *Sociology of education.* Vol. IV: *Politics and policies* (pp. 2038-2059). London: Routledge.

Wanke, A. A. (2008). *Parental involvement in children's education*. MA thesis, The State University of New York.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.1.1.2]